



تأثیرات ناامنی هستی‌شناختی در سیاست خارجی رژیم اسرائیل

مصطفی تارین^۱

احمد جانسیز^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

درجه مقاله: علمی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۱۷

^۱. دکترای روابط بین الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران tarin229@gmail.com

^۲. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران jansiz@guilan.ac.ir

چکیده

از ابتدای شکل‌گیری رژیم اسرائیل، تلاش در جهت حفظ و افزایش امنیت، همواره از مهم‌ترین دغدغه‌های حاکمان این رژیم بوده، به گونه‌ای که با استفاده از روابط دیپلماتیک، عملیات روانی و اقدامات نهان و آشکار نظامی، به دنبال توسعه قدرت و امنیت خود گام برداشته است. در این میان امنیت هستی‌شناختی به منزله امنیت وجودی، تابعی از الزامات ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی آن رژیم به شمار می‌آید. این مقاله با بهره‌گیری از مکتب سازه‌نگاری و با رویکردی توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال است که ناامنی هستی‌شناختی چه تأیراتی در سیاست خارجی رژیم اسرائیل داشته است؟ براساس فرضیه مقاله، سیاست خارجی رژیم اسرائیل که برپایه سیاست تهاجمی و یا همکاری و همگرایی شکل گرفته، با گسترش تعامل و تقابل در عرصه سیاست خارجی، کشورها را دوست، دشمن و گاه بی‌طرف تعریف کرده و رفتار آن‌ها را به عنوان تهدید یا فرصت قلمداد می‌کند که براساس آن به برقراری یا قطع روابط و نیز ستیز بر می‌خیزد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد وضعیت جدید، حاکمان اسرائیل را بر آن داشته تا با تغییر در تاکتیک‌های خود، شیوه‌های متفاوتی را برای دستیابی به راهبردهای امنیتی خود برگزینند و به دنبال آن، با اتخاذ سیاست‌های تهاجمی و جنگ‌افروزان و یا در نقطه مقابل، با همکاری و همگرایی نظامی و تسلیحاتی، بر چالش‌ها و بحران‌های موجود فائق آیند.

• واژگان کلیدی

ناامنی هستی‌شناختی، رژیم اسرائیل، سیاست خارجی، آمریکا، جمهوری اسلامی ایران.

۱- بیان مسئله

مهاجرت یهودیان صهیونیست از کشورهای گوناگون جهان، با تعدد زبانی بالا و فرهنگی متفاوت به سرزمین فلسطین، جامعه اسرائیل را از یکپارچگی خارج ساخته و به جامعه‌ای با بخش‌های ناهمگون و غیرمتشابه با یکدیگر، تبدیل کرده به گونه‌ای که موجب بروز تنش و بحران‌های متعددی در این سرزمین شده است. در این بین وجود برخی مؤلفه‌های آسیب‌پذیر و تهدیدزا در این سرزمین باعث شده که حاکمان رژیم اسرائیل همواره دغدغه تأمین و حفظ امنیت را در کانون توجه قرار دهند. در این میان، مساحت جغرافیایی کوچک با وسعت بیست هزار کیلومتری، موجب شده که این سرزمین فاقد عمق راهبردی باشد. ضرورت طرح این مسئله در این‌جا به این دلیل است که وسعت کم به همراه عوامل دیگر جغرافیایی، هراس مستمری را با خود به همراه داشته است. این پهنای محدود، حامل بیم دائمی بوده و از لحاظ امنیت رژیم اسرائیل اهمیت فراوانی دارد که این مسئله به نحوی در تقویت ساختار نظامی و در پیش گرفتن سیاست تهاجمی از طرف آنان مؤثر است. همچنین مناقشات مرزی متعدد، معضلات پیرامون رودخانه‌های مرزی و اختلافات موجود با کشورهای همسایه بر سر تعیین مرزهای جغرافیایی در رودخانه‌ها و دریاچه‌های نقاط مرزی، جمعیت کیفی و کمی نامناسب و عدم شباهت در بافت جمعیتی، زمینه‌ساز تنش‌هایی برای این رژیم شده است. از این‌رو تاکنون تنها تأمین امنیت فیزیکی صهیونیست‌ها توسط رژیم از فروپاشی آن‌ها جلوگیری کرده و در حقیقت مسئله امنیت دسته‌جمعی داخلی به عنوان مهم‌ترین عامل بازدارنده فروپاشی این ساختار نامتجانس از یکدیگر بوده است.

وجود این چالش‌ها در جامعه اسرائیلی، باعث شده که این رژیم همواره درگیر بحث‌های مستمر و مداوم پیرامون «امنیت هستی‌شناختی»^۱ باشد. امنیت هستی‌شناختی، حسی از ادامه-دار بودن، پیوستگی، نظم در حوادث و اتفاقات، تداوم در زمان و مکان و توانایی و ظرفیت افراد برای حفظ و ادامه «روایت»^۲ مشخصی از زندگینامه‌شان است. از نظر هستی‌شناختی، ایمن بودن و اطمینان داشتن یعنی در اختیار داشتن پاسخ‌هایی در سطح ناخودآگاه و خودآگاه برای بعضی پرسش‌های وجودی بنیادین است که معرف چیستی و کیستی آدمی است. در واقع

^۱. Ontological Security

^۲. Narrative

فردی که از نظر وجودی احساس ناامنی می‌کند، فاقد احساس منسجمی نسبت به پیوستگی سرگذشت خویش است. بریدگی و ناپیوستگی در تجربه زمان اغلب یکی از ویژگی‌های این احساس است. این‌گونه افراد زمان را همچون رشته‌ای از لحظه‌های ناپیوسته درک می‌کنند که هر یک از آن‌ها تجربیات قبلی را چنان از تجربیات بعدی جدا و قطع می‌کند که دیگر هیچ‌گونه روایت پیوسته‌ای از زندگی به وجود نمی‌آید (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۳).

از این‌رو، افراد و سیاستمداران تحت یک روایت ویژه از خودشان اقدام به هویت‌سازی می‌کنند. بر همین اساس، دولت‌ها به این علت در پی امنیت هستی‌شناختی گام برمی‌دارند که نگرش تاریخی آن‌ها از خودشان که در یک روایت خلق شده است؛ گذشته، حال و آینده را به یکدیگر متصل می‌کند. بر این مبنا، هر نوع شرایطی که رویه‌های روالمند^۱ یا عادات جاری تثبیت شده اشخاص و یا دولت‌ها را تهدید کند، شرایط بحرانی را به وجود خواهد آورد. در این شرایط رفتار طبیعی اشخاص و دولت‌ها، اقدامی به منظور از بین بردن اوضاع یاد شده خواهد بود. استمرار و نتیجه این تشویش و دغدغه، منجر به شکل‌گیری بحران وجودی می‌شود. با توجه به این تعاریف است که حاکمان رژیم اسرائیل، وضعیت موجود جهانی را برای خود «تحمل‌پذیر» یا «تحمل‌ناپذیر» می‌بینند و به دنبال آن کشورهای دیگر به دوست، دشمن و بی‌طرف تقسیم شده و رفتارهای آن‌ها به عنوان «تهدید» یا «فرصت» در نظر گرفته می‌شود. لذا تعریف دوست، دشمن و نحوه رفتار در برابر هر کدام، ناشی از توقعات بین‌الذهنی کنشگران و شناخت آن‌ها از خود و دیگری در نظر گرفته می‌شود که به دنبال آن احساس امنیت و یا ناامنی را به دنبال خواهد داشت. از این‌رو مقاله حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که ناامنی هستی‌شناختی چه تأثیراتی در سیاست خارجی رژیم اسرائیل داشته است؟ در راستای پاسخ به این پرسش، پژوهش حاضر، سیاست خارجی رژیم اسرائیل که براساس سیاست تهاجمی و یا همکاری و همگرایی شکل گرفته را، در قبال کشورهای همچون جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا، چین، روسیه و هند، مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲- پیشینه پژوهش

در بررسی پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون ناامنی هستی‌شناختی رژیم اسرائیل، چند اثر وجود دارد که تا حدودی به این مسئله پرداخته‌اند. در این میان «اسرائیل و درگیری دائمی»

^۱. Routines

(۱۳۹۱)، اثری است که توسط ربیع داغر نوشته شده و توسط فاطمه کاظمی به فارسی ترجمه شده است. نویسنده در این کتاب ضمن اشاره به مسئله امنیت هستی‌شناختی رژیم اسرائیل، با تکیه بر منابع و مستندات غیرقابل انکار، جنبه‌هایی از ماهیت ضدبشری صهیونیسم و ارتباط آن با دولت آمریکا را تحلیل می‌کند. وی همچنین، اشغال‌گری، جنگ‌افروزی و نظامی‌گری، سیاست‌های نژادپرستانه و غیرانسانی، سلطه‌طلبی و نقض پیمان‌های حقوق بشری از جانب صهیونیسم را به منظور آشنایی افکار عمومی با توطئه‌های بزرگ صهیونیسم توضیح می‌دهد.

حاکم قاسمی کتابی با عنوان «عوامل ساختاری بحران امنیتی در اسرائیل» (۱۳۸۹)، به رشته تحریر در آورده است. قاسمی در این کتاب معتقد است که اصلی‌ترین مسئله و مهم‌ترین دغدغه رژیم اسرائیل پس از تأسیس این دولت، مسئله امنیت و دغدغه بقاء بوده است. لذا تأمین امنیت با هدف حفظ خود و تداوم موجودیت این رژیم اولویت نخست این دولت بوده و تمامی سیاست‌ها و برنامه‌های آن در چارچوب استراتژی‌های امنیتی تهیه، تنظیم و اجرا شده است. با این حال، رژیم اسرائیل همچنان خود را در وضعیت نامطمئن می‌بیند و نسبت به آینده خویش احساس خطر می‌کند. نگارنده در این کتاب، به بررسی عوامل ساختاری بحران امنیتی در رژیم اسرائیل پرداخته است. در این بررسی، تأثیر عوامل بین‌المللی و رقابت قدرت‌های بزرگ بر امنیت آن و همچنین تأثیر عامل جغرافیا بر امنیت و پیامدهای بحران امنیتی این رژیم مد نظر قرار گرفته است.

افرایم اینبار، نویسنده صهیونیست، کتابی با عنوان «منیت ملی اسرائیل» (۱۳۸۸)، نوشته که توسط حمید نیکو به فارسی ترجمه شده است. اینبار در این کتاب به بررسی جامع چالش‌های امنیتی رژیم اسرائیل پس از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ می‌پردازد. تفکر استراتژیک این رژیم پس از سال ۱۹۷۳؛ نحوه شکل‌گیری محیط استراتژیک این رژیم؛ انتفاضه؛ مذاکره با سوریه؛ اسلام‌گرایی؛ اشتباهات استراتژیک این رژیم در جنگ ۳۳ روزه؛ برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و تلاش این رژیم برای برقراری روابط استراتژیک با کشورهای چون ترکیه و هند از مباحثی است که در این کتاب مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

متقی و ثابت (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی و هستی‌شناختی تفکر امنیتی رژیم صهیونیستی» بر این باورند که امنیت در منطق رژیم صهیونیستی به معنی جاودانه کردن وضع موجود است و خشونت نظام‌مند، نشانه قدرت است که از سطح نظری امنیت به سیاست عملی امنیتی تبدیل شده است. آن‌ها براین باورند که لایه‌های هویتی یهود در ابعاد فرهنگی، مذهبی،

زبانی و قومی تعریف شده است. در تعریفی نو از امنیت، دفاع از هستی، شفاف‌ترین تعریف از مقوله امنیت است. در این مقاله متقی و ثابت تلاش کرده‌اند که مبانی هستی‌شناسی تفکر امنیتی رژیم اسرائیل را مورد بررسی قرار دهند. در این ارتباط نشانه‌هایی از ساختار سیاسی در این رژیم وجود دارد که به عنوان عامل اصلی تداوم هستی‌شناسی فرقه‌ای محسوب می‌شود. هستی‌شناسی امنیت فرقه‌ای به این دلیل تداوم یافته است که رژیم اسرائیل چنین رویکردی را بازتولید می‌کند.

در یک نگاه کلی و علی‌رغم پژوهش‌های صورت گرفته باید گفت که به جهت نوپدید بودن ادبیات امنیت هستی‌شناختی، مطالعات چندانی در این عرصه صورت نگرفته و محدود پژوهش‌هایی که با این رویکرد به موضوع «رژیم اسرائیل» پرداخته‌اند، عمده وجه تمرکز آنان امنیت هستی‌شناختی این رژیم و درگیری‌های داخلی با فلسطینیان بوده است، حال آنکه این مقاله، تأثیرات ناامنی هستی‌شناختی را در سیاست خارجی رژیم اسرائیل مورد مذاقه قرار می‌دهد.

۳- چارچوب مفهومی: امنیت هستی‌شناسانه

در میان مکاتب رایج، رهیافت سازه‌انگاری^۱ با نگاهی متفاوت از دو دیدگاه رایج رئالیسم و لیبرالیسم، دارای هستی‌شناختی ضد ماتریالیستی است که با نگرشی انتقادی، عقیده دارد نگرش‌های عقل‌گرا، به دلیل بی‌اهمیتی به عنصر فرهنگ و انگاره‌ها، در تحلیل مسائل دچار کاستی‌هایی می‌باشند و برای تحلیلی جامع از عرصه بین‌الملل، باید فرهنگ، هنجارها، قواعد و انگاره‌ها را نیز دخیل کرد (Lupovici, 2019: 18). این رهیافت معتقد است که نمی‌توان روابط میان دولت‌ها و سیاست بین‌الملل را در یک سلسله تعاملات و رفتارهای عقلانی و در قالب صرفاً فیزیکی و مادی در سطوح ملی و بین‌المللی تقلیل داد، بلکه بایستی به عوامل ناشی از نقش قواعد، انگاره‌ها و هنجارها در شکل‌دهی روابط بین‌الملل به همراه ساخت مادی آن توجه داشت و در ارتباط با تأثیر عوامل فکری، ذهنیت و هنجارها در شکل‌دهی به رفتار کنشگران، جایگاه خاصی را برای هویت، فرهنگ، ذهنیت، هنجارها و انگاره‌ها قائل شد (Philpott, 2019: 32).

سازه‌انگاران سرچشمه ناامنی و امنیت را در نحوه تفکر بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوعات، خصوصاً منافع و تهدیدات می‌دانند و معتقدند هر اندازه ادراکات و منطق متقابل بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوعات، نامتناقض‌تر و متناقض‌تر باشد، بی‌اعتمادی میان آنان

¹. Constructivism

افزایش می‌یابد و دولت‌ها بیشتر به سمت خودیاری و خودمحوری حرکت می‌کنند. اما چنانچه بتوان ساختاری از دانش مشترک ایجاد نمود آنگاه می‌توان کشورها را به سوی جامعه امنیتی صلح‌آمیزتری رهنمون ساخت. بنابراین امنیت بیش از آنکه بر عوامل مادی قدرت متکی باشد، بر میزان فهم و درک مشترک بازیگران از یکدیگر قرار گرفته است (عباسی اشقلی، ۱۳۸۳: ۵۲۵).

در این ارتباط، جنیفر میتزن، امنیت هستی‌شناختی که بر اساس هویت تعریف می‌شود، را مطرح می‌کند و معتقد است این احتمال وجود دارد که امنیت هستی‌شناختی در تضاد با امنیت فیزیکی دولت‌ها قرار گیرد. به این معنا که ممکن است دولت‌ها برای تداوم تعریف از «خود» و «دیگران» و احساس کنشگری در نظام بین‌الملل، امنیت فیزیکی خود را به خطر انداخته و به استقبال منازعه با دیگران بروند تا از این طریق تعریف تثبیت شده‌ای از دوست - دشمن و خود - دیگری به دست آورند و از شفافیت و وضوح این مرزهای هویتی احساس اطمینان و آرامش کنند. در این دیدگاه، امنیت فیزیکی و وجودی ممکن است با یکدیگر رابطه معکوس پیدا کنند (Mitzen, 2006).

بوزان بر این باور است زمانی چالش یا بحران امنیت اجتماعی مطرح خواهد بود که نیرویی بالقوه و یا بالفعل به عنوان تهدید هویت افراد جامعه وجود داشته باشد. به بیان دیگر نظریه پردازانی چون بوزان و ویور بر این باورند که هویت هر مجموعه انسانی از جمله گروه‌های قومی، دینی و زبانی به نوعی با موجودیت آنها گره می‌خورد و هرگونه تهدیدی علیه این مؤلفه‌های هویتی از نظر آنها خطری برای موجودیت و امنیتشان قلمداد می‌شود (رجبی قره قشلاقی، ۱۳۸۸: ۱۴۹).

۴- تأثیرات ناامنی هستی‌شناختی در سیاست خارجی رژیم اسرائیل

سیاست خارجی کشورها، دربرگیرنده رویه‌هایی است که در تعیین سطح آن کشورها در نظام بین‌الملل و الگوهای دوستی و دشمنی با آن، تأثیر چشم‌گیری دارد. باور مکتب سازه‌نگاری در عرصه سیاست خارجی بر این است که فراتر از توزیع عینی قدرت (بینش خردگرایان)، تصور و برداشت کشورها از تقسیم قدرت دیگران و انگاره‌های برخاسته از نگرش یک ملت است که آن‌ها را به ارتباط با اطراف خود توانمند می‌سازد. هویت به ملت‌ها این امکان را می‌دهد که جهان را با معنا بنگرند، به گروه‌بندی موجودیت‌های دیگر پردازند و واقعیتی سلسله‌وار ایجاد کنند که در آن، «خود» و «دیگری» و دوست و دشمن معین شده است. این جهان ایجادشده که دارای معیارهای ارزشی است، عملکرد آن‌ها را جهت دهی می‌کند. دولت هم که بر ساخته اجتماعی است، در این ذهنیت جمعی شریک است و جهان را با این ساختار می‌شناسد،

دوستان، دشمنان، منافع، مطلوبیت‌ها و تهدیدها را تعیین کرده و عملکردهای سیاست خارجی خود را تعریف می‌کند (Franke, 2002: 59-80). از این‌رو، در جامعه اسرائیلی زمانی که نمادهای هویتی و نظام باورهای جامعه در معرض شک و تردید قرار می‌گیرند، در واقع نوعی احساس ناامنی اجتماعی در جامعه شکل می‌گیرد که این احساس ناامنی، عاملی برای تهدید امنیت وجودی قلمداد می‌شود. در واقع در جامعه صهیونی، فقدان هویت ملی فراگیر را می‌توان به نوعی تهدید امنیت اجتماعی دانست. به گونه‌ای که این تهدیدها و ناامنی هستی‌شناختی شکل گرفته از آن، راهبرد سیاست خارجی رژیم اسرائیل را تحت تاثیر خود قرار داده و براساس تقسیم‌بندی دوست، دشمن و گاه بی‌طرف، به برقراری روابط و یا به ستیز با کشورها می‌پردازد.

در این ارتباط «آلن دوتی»^۱ در بررسی اثرپذیری سیاست خارجی رژیم اسرائیل از فرهنگ سیاسی یهودی، بر دو عامل موجود یعنی نگرش در خصوص امنیت و مبحث انزوآگرایی متمرکز شده است. در ادوار مختلف تاریخ، حس تهدیدات خارجی، عامل همیشگی جهت ایجاد اتحاد و یکپارچگی در بین جوامع یهودی بوده است. در سیاست خارجی این رژیم به‌ویژه در سال‌های اولیه تشکیل آن، عمیقاً این احساس ناامنی به چشم می‌خورد. در سال‌های یادشده، تهدید یهودیان توسط عرب‌ها را بسیار برجسته می‌کردند و آن‌ها بر این باور بودند که عرب‌ها نیز موازی با واقعه هولوکاست و شکنجه یهودیان، به دنبال از بین بردن یهودیان و دولت یهود هستند. واکنش در برابر عرب‌ها و ندادن امتیاز به آن‌ها، قبل از اینکه از احتساب حقیقی و آشکار قدرت نظامی و سیاسی کشورهای عرب نشأت گرفته باشد، برخاسته از تصور ذهنی یهودیان از تهدید آن‌ها بود که دارای ریشه‌های تاریخی بود (Dowty, 1999: 320).

در این میان، اعتراضات داخلی در این سرزمین که طی سال‌های اخیر بیش از پیش افزایش یافته، موجب تضعیف ساختار سیاسی و مشروعیت این رژیم شده است. برای مثال اعتراضاتی که به دنبال تحولات خاورمیانه در رژیم اسرائیل بوجود آمد، با اینکه از حیث شدت و حدت مانند سایر کشورهای درگیر اعتراضات، منجر به سقوط رژیم حاکم نشد، اما بنیان‌های امنیتی و هستی‌شناختی رژیم اسرائیل را با تهدید مواجه ساخت. از این‌رو می‌توان گفت که فراگیر بودن احساس ناامنی داخلی و نیز دغدغه درباره حیات این رژیم، چالش‌ها و نگرانی‌های عمیقی را برای سران این رژیم به وجود آورده است. دغدغه‌ای که امنیت وجودی رژیم اسرائیل را با خطر جدی روبه‌رو ساخته است.

1. Alan Dowty

افزون بر موارد فوق، فضای خارجی و بین‌المللی همواره مرجع قدرتمند و چندمنظوره‌ای در سیاست خارجی رژیم اسرائیل بوده است و تغییرات در آن، ممکن است موجب تغییر در رفتار خارجی این رژیم شود. در واقع می‌توان گفت که صهیونیست‌ها نسبت به فضای اطراف خود همواره بدبین بوده‌اند. با اینکه در اذهان برخی رهبران کشورهای عربی نسبت به این رژیم تغییراتی به وجود آمده است، اما این اتفاق به معنی تغییر متقابل در اذهان سیاسی و امنیتی فرقه‌ای صهیونی نسبت به عرب‌های مسلمان نیست. «آلویز روبنستین» با دیدگاهی اعتدالی به وضعیت جدید پیش آمده برای رژیم اسرائیل، بر این باور است که این رژیم، در بهترین حالت، دغدغه امنیتی خواهد داشت زیرا در ذهنیت تاریخی خود با عرب‌ها جنگ دارد و در پیش‌بینی‌های آینده‌شناسی خود با احتمال جدی جنگ روبه‌رو است (اینبار، ۱۳۸۸: ۳۶). در واقع می‌توان گفت که وجود چالش‌ها و تهدیدات امنیتی در رژیم اسرائیل عامل اصلی در شکل‌دهی راهبرد سیاست خارجی این رژیم بوده است. تهدیداتی که صهیونیست‌ها را از طرفی وادار به اتخاذ سیاست‌های تهاجمی و جنگ افروزان کرده و از سوی دیگر، همکاری تسلیحاتی و نظامی با برخی از کشورها را برای آن به دنبال داشته است (نیکو و سویلمی، ۱۳۹۶: ۱۴۳).

حکام اسرائیلی بر این باورند که برخی از دولت‌های همسایه و منطقه خاورمیانه به دنبال دستیابی به سلاح‌های نامتعارف و موشک‌های دوربرد برای حمله به این کشورند. این رژیم از سوی کشورهای مجهز به موشک‌های بالستیک، به طور خاص جمهوری اسلامی ایران احساس خطر می‌کند اما حساسیت امنیتی چندانی نسبت به سایر کشورهای عربی مجهز به موشک‌های بالستیک هم‌چون مصر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی ندارد. از این‌رو رژیم اسرائیل بازدارندگی هسته‌ای را ضامن موجودیت خود دانسته و دستیابی احتمالی برخی کشورهای منطقه به تسلیحات هسته‌ای را نیز تهدیدی مستقیم علیه موجودیت خود می‌داند و جلوگیری از گسترش تسلیحات هسته‌ای در منطقه خاورمیانه را در راهبرد امنیتی خود گنجانده است. در حقیقت سیاست هسته‌ای رژیم اسرائیل بر اساس جنگ پیش‌دستانه درمقابل هرگونه حمله احتمالی با تسلیحات هسته‌ای، بیولوژیکی، شیمیایی یا حتی حملات متعارف بالقوه علیه تسلیحات کشتار جمعی این رژیم سامان یافته است. بعضی از کارشناسان نیز بر این باورند که رژیم اسرائیل سیاست‌های یادشده را با مشارکت و همراهی سیاست‌های هسته‌ای پیش‌دستانه آمریکا تداوم و توسعه خواهد داد، به نحوی که در دکترین تهاجم هسته‌ای مشترک تعیین شده است (Beres, 2007). صهیونیست‌ها در راستای نیل به اهداف هسته‌ای خود، استیلای هسته‌ای

در منطقه را نیز دنبال می‌کند. رژیم اسرائیل در این مسیر از فعالیت‌های دیپلماتیک، عملیات روانی و به همین ترتیب از اقدامات نظامی بهره می‌برد تا مانع از رسیدن کشورهای خاورمیانه به تکنولوژی تولید سلاح‌های هسته‌ای شود. حملات هوایی ضد فعالیت‌های هسته‌ای عراق در گذشته و همچنین حملات هوایی علیه سوریه به بهانه فعالیت‌های نظامی و نیز اقدامات متعدد خرابکارانه این رژیم در سایر کشورهای منطقه همچون جمهوری اسلامی ایران، در جهت توجیه وجود تهدید از سوی سایرین بوده است.

از این رو تأکید این رژیم بر گسترش سلاح‌های نامتعارف و استمرار سیاست ابهام هسته‌ای، اثر مشخصی بر عدم پیشرفت و مقابله با روند صلح خاورمیانه است، که دستاویزی برای ادامه سیاست پیش‌گیرانه دولت یهود است. در این میان، ارتباط خاص رژیم اسرائیل و غرب، خصوصاً آمریکا و سایر کشورها، نقش موثری در اجرای این سیاست‌ها داشته و هر نوع تصمیم‌گیری در سیاست خارجی این رژیم، با توجه به الزامات ساختاری برخاسته از حضور این متغیر بوده است؛ به گونه‌ای که برنامه‌ها و رویکردهای سیاست خارجی آمریکا، سیاست صهیونیست‌ها را در مقابل دوستان و دشمنانش تحت تأثیر قرار داده و در مسائلی مانند جنگ تسلیحاتی، تهدید، دفاع استراتژیک و... به تصمیمات سیاست خارجی آن سمت‌وسو می‌دهد.

۴-۱- آمریکا؛ متحد استراتژیک

یکی از اساسی‌ترین موضوعات مهم برای ایالات متحده در منطقه خاورمیانه، موازنه قدرت است و یکی از دلایل حمایت آمریکا از رژیم اسرائیل به علت ممانعت از به هم خوردن این موازنه است. لذا، آمریکا به هر تهدید نظامی که امنیت این رژیم را بحرانی کند، واکنش نشان خواهد داد. از ابتدای تأسیس رژیم اسرائیل، ایالات متحده پشتیبانی و حمایت‌های مادی و غیرمادی ویژه‌ای از این رژیم نوپا داشته است. سران آمریکا در سیاست‌های اعلامی و اعمالی خود با مهاجران یهودی احساس همدلی و همدردی کرده و باور دارند که یهودیان در استقلال و گسترش آمریکا نقش قابل توجهی داشته‌اند.

در واقع سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه بیان‌گر دو مسئله حمایت از متحدان استراتژیک و بازدارندگی در مقابل دشمنان منطقه‌ای خود است. ایجاد اتحاد راهبردی با اسرائیل، ایران را در جایگاه رقیب برای آمریکا و این کشور را خط مقدم نظامی آمریکا در غرب آسیا قرار می‌دهد که می‌توان مدعی شد روابط رژیم اسرائیل و آمریکا، نزدیک‌ترین روابط دوجانبه میان دو واحد

سیاسی در جهان محسوب می‌گردد؛ به گونه‌ای که بقای این رژیم، برای تأمین منافع آمریکا در منطقه نقش حیاتی ایفا می‌کند. هر چند در دکترین امنیت ملی آمریکا، ایران تهدیدی برای امنیت آمریکا محسوب نمی‌شود، اما تأمین امنیت رژیم اسرائیل، مهم‌ترین هدف آمریکا در خاورمیانه است. به گونه‌ای که کاخ سفید جمهوری اسلامی ایران را عامل ناامنی در خاورمیانه نام برده که مانعی بر سر راه صلح اعراب و اسرائیل است (Balaiah, 2022: 5).

علاوه بر این مسئله، همکاری نظامی و هسته‌ای این رژیم و آمریکا عامل مهمی در تقویت این اتحاد شده است. رژیم اسرائیل از جمله اندک حکومت‌هایی است که به عضویت کنوانسیون سلاح‌های کشتار جمعی در نیامده و تنها رژیم در خاورمیانه است که عضو «ان پی تی»^۱ نشده است. که در این میان، آمریکا از عدم عضویت این رژیم با بهانه «شرایط خاص تل‌آویو» از رژیم اسرائیل پشتیبانی کرده است. آمریکا بر اساس قرارداد ارتقای هسته‌ای بین این کشور و رژیم اسرائیل در مجامع جهانی اعلام می‌کند که این رژیم تنها به علت داشتن موقعیت حساس در منطقه خاورمیانه، حاضر به امضای معاهده ان پی تی نیست.

در این میان، وجود لابی‌های پرنفوذ یهودی همچون آپیک^۲، جی‌استریت^۳، کمیته‌های تحرک سیاسی حامی رژیم اسرائیل^۴ و... در آمریکا، نقش بسیار مهمی در تحکیم و تقویت روابط خارجی رژیم اسرائیل و ایالات متحده، داشته است. لابی‌های صهیونی، مجموعه‌ای از مؤسسات یهودی هستند که به نام یک گروه شاخص در اثرگذاری بر سیاست‌های آمریکا در ارتباط با رژیم اسرائیل و خاورمیانه شناخته شده است. در واقع لابی این رژیم زیرمجموعه لابی قومیتی می‌باشد چرا که این لابی‌ها، سازمان‌های سیاسی هستند که مبنای مواضع فرهنگی، قومی، دینی یا نژادی دارند و در پی تأثیرگذاری بر سیاست خارجی آمریکا، در حمایت از مواطن یا اقوامشان در خارج از کشور هستند و از طریق حمایت‌های مالی انتخاباتی و از طرفی هم از طریق رأی‌هایشان و همچنین لابی‌گری بر سیاست‌گذاری در امر سیاست خارجی آمریکا اثر گذارند. چرا که لابی رژیم اسرائیل و نامزدهای مجلس و سنا و نیز نامزدهای ریاست جمهوری خوب می‌دانند پیروزی در انتخابات آمریکا، بیش از هر چیزی به سرمایه مالی نیاز دارد و جمع‌آوری این سرمایه در آغاز مبارزه انتخاباتی بسیار مهم است (سیمبر و نظری، ۱۳۹۳: ۹). در حقیقت باید گفت که موقعیت ویژه رژیم اسرائیل در اذهان آمریکایی‌ها حتی بر تشکیل آن به

1. Non-Proliferation Treaty

2. AIPAC

3. J-Street

4. Pro-Israel Political Action Committees (PACs)

عنوان یک کشور اولویت دارد. تا جایی که در دوره دونالد ترامپ در دسامبر ۲۰۱۷، با وجود مخالفت سران کشورهای جهان اسلام و جامعه جهانی، دستور انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس صادر شد و از این طریق ایالات متحده، نخستین کشوری بود که بیت‌المقدس (اورشلیم) را به عنوان پایتخت رژیم اسرائیل به رسمیت شناخت و به دنبال آن، در می ۲۰۱۸، سفارت آمریکا در بیت‌المقدس بازگشایی شد.

افزون بر این مسائل، ایالات متحده با رویکردی نوین به دنبال دعوت کشورهای عربی به سوی اتحاد با رژیم اسرائیل در جهت مقابله با جمهوری اسلامی ایران و کشورهای متحد آن در جهت جبران خلاء و کاستی‌های قدرت خود در منطقه می‌باشد تا از این طریق با بهره‌گیری ابزاری از کشورهای متحد خود و ایجاد صفتبندی امنیتی جدید و همچنین القای موج ایران‌هراسی^۱ به کشورهای عربی، مسئله فلسطین را از اولویت این کشورها خارج سازد (Gramer et al, 2020). از این رو می‌توان گفت مقامات آمریکا در تلاشند به نگرانی‌های کشورهای عربی و رژیم اسرائیل درباره جمهوری اسلامی ایران افزوده و از یک طرف، آن‌ها را به همکاری‌های گسترده‌تری با این رژیم تشویق کرده و از طرفی دیگر، به خرید سرسام‌آور تسلیحات نظامی از آمریکا ترغیب کنند. این سیاست از منظری متفاوت، موجب حفظ رهبری آمریکا در منطقه شده و آن‌ها را به آمریکا نیازمند ساخته و نیز کارخانه‌های مهمات‌سازی ایالات متحده را با فروش تجهیزات نظامی به رونق اقتصادی می‌رساند. آمریکا تجهیزات و دانش تسلیحاتی خود را در اختیار رژیم اسرائیل و متحدان مشترکشان قرار می‌دهد و از متحدان خاورمیانه‌ای خود با هدف تشویق آن‌ها برای خصوصی‌سازی بیشتر و فراهم ساختن بستر سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در خاورمیانه در تلاش بوده است.

در این ارتباط و در ادامه سازش دولت‌های عربی و رژیم اسرائیل، به عنوان نمونه می‌توان توافقات صلح موسوم به «توافق‌نامه ابراهیم»^۲ را مطرح کرد که در آگوست ۲۰۲۰ توسط دونالد ترامپ مطرح شد و با اعلام رسمی روابط امارات و رژیم اسرائیل نمود علنی یافت. به دنبال این توافق کشورهای دیگر عربی همچون بحرین، سودان و مراکش نیز به کشورهای اعلام‌کننده این روابط رسمی با اسرائیل شتافتند (Muasher, 2021). این توافق‌نامه براساس نقطه‌نظرات امنیت ملی و به شکل دقیقی به منظور توجه ویژه به تهدید مشترک برخی کشورهای منطقه و متحدان مشترک‌المنافع تدوین شده است.

^۱ Iran-Phobia

^۲ The Abraham Accords

همچنین علاوه بر این توافق‌نامه، ایجاد کریدور^۱ IMEC یا دالان اقتصادی هند - خاورمیانه - اروپا در سپتامبر ۲۰۲۳ را باید به عنوان مکملی در کنار گروه I2U2^۲ متشکل از آمریکا، امارات متحده عربی، هند و رژیم اسرائیل دانست که بعد از شکل‌گیری توافقات ابراهیم، به دنبال نقش‌آفرینی در معادلات اقتصادی، امنیتی و سیاسی بوده است. در واقع هدف از احداث این کریدور را می‌توان مقابله با نفوذ اقتصادی چین، دستیابی رژیم اسرائیل به اقیانوس هند از طریق خلیج فارس و همچنین عادی‌سازی روابط عرب‌ها و این رژیم و از سوی دیگر رسیدن قدرت‌های شرق آسیا به اروپا بدون وابستگی به راه ابریشم چین دانست.

با وقوع رویداد ۷ اکتبر ۲۰۲۳ رویکرد ایالات متحده در قبال خاورمیانه تغییر و این جنگ را تهدیدی از جانب ایران و گروه‌های حامی آن تلقی نمودند و پس از حمله حماس حمایت خود را از اسرائیل ابراز کرد و با فروش تسلیحات به تل‌آویو، و هم‌زمان حمایت گروه‌های جهادی کشورهای منطقه از حماس باعث گسترش این منازعه شدند. این تحولات تا حدودی توانست امنیت ملی ایران را به مخاطره اندازد. برای اسرائیل بازدارندگی رکن اصلی حفظ امنیت است و هر آنچه به این بازدارندگی خدشه وارد سازد، خط قرمزی برای امنیت اسرائیل محسوب می‌شود (نیاکویی و امانی، ۱۴۰۳: ۳۶).

در کل باید گفت علی‌رغم رویکرد سینوسی دولت جو بایدن در قبال رژیم اسرائیل و عدم استمرار روابط دوران ترامپ از سوی بایدن و وارد ساختن انتقادات نسبت به برخی رویکردها و تصمیمات مقامات اسرائیلی همچون تصویب لایحه اصلاحات قضائی در رژیم اسرائیل که حساسیت‌هایی را میان دو طرف برانگیخته، تاریخچه روابط رژیم اسرائیل و آمریکا نشان داده که وجود برخی اختلافات و گاه تعارضات میان مقامات و سران دو طرف امری عادی بوده و در نهایت، اتحاد این طرفین برقرار مانده است، به گونه‌ای که با روی کار آمدن مجدد ترامپ به ریاست جمهوری ایالات متحده، پیش برد اهداف رژیم اسرائیل در مسیر هموارتری قرار گرفته است.

۴-۲- جمهوری اسلامی ایران؛ «دگر» اسرائیل

رژیم اسرائیل برای متقاعد ساختن افکار عمومی خود مبنی بر اینکه صلح با عرب‌ها امکان‌پذیر است، نیازمند یک تهدید خارجی بود تا جایگزین تهدید کشورهای عربی کند. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و مخالفت با پیمان صلح کمپ دیوید فرصت طلایی برای دولت‌مردان

^۱ India-Middle East-Europe Corridor

^۲ The I2U2 Group is a grouping of India, Israel, the United Arab Emirates, and the United States.

رژیم اسرائیل بود تا از جمهوری اسلامی ایران تصویری تهدیدآمیز ارائه کنند. از این‌رو از دید این رژیم، جمهوری اسلامی ایران یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای امنیت منطقه‌ای به شمار می‌آید. از نگاه آن‌ها این کشور از زمان انقلاب سال ۱۹۷۹، با بهره‌گیری از نفوذ خود در کشورهای همچون سوریه، عراق، لبنان و سرزمین‌های اشغالی - فلسطین، در پی ایجاد هلال شیعی با نفوذ سیاسی و مذهبی در منطقه خاورمیانه بوده است تا خود را در ساختارهای امنیتی و قدرت منطقه‌ای جای دهد و اهرم فشاری بر رقبای خود باشد (Rose, 2021: 61).

در این ارتباط، ایران‌هراسی، پروژه راهبردی است که براساس آن، جمهوری اسلامی ایران به عنوان تهدیدی بزرگ در منطقه و همچنین تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی مطرح و به عنوان یک بازیگر اخلاخل آفرین در نظام بین‌الملل به تصویر کشیده می‌شود. این رویکرد از سوی ایالات متحده آمریکا و صهیونیسم، با هدف به حاشیه راندن جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌شود (عابدی، ۱۳۹۸: ۱). لذا می‌توان گفت، رژیم اسرائیل جمهوری اسلامی ایران را به عنوان مهم‌ترین تهدید بیرونی پیش روی موجودیت و هستی خود می‌بیند و این کشور را عامل مهمی در ناامنی هستی‌شناختی خود قلمداد می‌کند. به عبارتی دیگر اصلی‌ترین تهدید استراتژیک برای این رژیم در تمامی مسائل امنیتی، جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید به گونه‌ای که برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و افزایش نفوذ این کشور در خاورمیانه، تهدیدی استراتژیک برای رژیم اسرائیل محسوب می‌شود.

البته در این میان و از زاویه‌ای دیگر، برخی جمهوری اسلامی ایران را یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های استراتژیک صهیونیست‌ها می‌دانند. در این ارتباط در چند سال گذشته، افزایش بی‌شمار روابط مخفیانه و همچنین علنی رژیم اسرائیل با کشورهای عربی و مسلمان منطقه و جهان مشاهده می‌شود. این اظهار تمایل نوپا میان رژیم اسرائیل و تعدادی از کشورهای منطقه، کم‌کم به سوی روابط جدی کشیده می‌شود که اغلب به دلیل مقابله با جمهوری اسلامی ایران بوده است. رژیم اسرائیل، برای مقابله با هراس ناشی از نفوذ جمهوری اسلامی ایران به این صحنه جنگ کشانده شده است (کسپیت، ۱۳۹۷: ۱). تلاش رژیم اسرائیل در این مسیر باعث شده که برخی کشورهای عربی، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان تهدیدی جدی علیه امنیت خود قلمداد کنند و عقیده دارند که دستیابی جمهوری اسلامی ایران به دانش و سلاح هسته‌ای، شرایط را برای جاه‌طلبی و تغییر موازنه از سوی جمهوری اسلامی ایران هموارتر می‌کند (Einhorn, 2022: 11-12).

در این بین، عادی‌سازی روابط رژیم اسرائیل با بحرین و امارات و ... بخشی دیگر از تلاش‌های این رژیم به امید برقراری «اتحاد» با آنها علیه ایران و گسترش عمق استراتژیک خود بوده است (نورمحمدی و دارینی، ۱۴۰۲: ۱۷۳). موازنه‌سازی در برابر محور مقاومت، اندیشیدن به خاورمیانه پس‌آمریکا و هراس از سیاست‌های واشنگتن، جلب حمایت آمریکا و استفاده از لابی‌های صهیونیستی و همچنین بهره‌مندی از مزایای فن‌آورانه رژیم اسرائیل، متغیرهای اصلی و تأثیرگذار در علنی‌سازی روابط امارات متحده عربی با رژیم صهیونیستی به شمار می‌آید. چنین رخدادی، برای جمهوری اسلامی ایران فضای ژئوپولیتیکی جدیدی را ایجاد نموده است که در آینده می‌تواند در قدرت ملی و نفوذ منطقه‌ای محور مقاومت به رهبری ایران تأثیرگذار باشد (مقومی و جاودانی مقدم، ۱۴۰۱).

در یک نگاه کلی می‌توان گفت که رژیم صهیونیستی در برابر جمهوری اسلامی ایران موازنه فراگیر را دنبال می‌کند و یک جنگ ترکیبی به راه انداخته است. به این معنی که مقابله با ایران محدود به موازنه‌سازی بیرونی و درونی نیست بلکه رژیم اسرائیل دامنه گسترده‌ای از اقدامات نظامی، اطلاعاتی، سیاسی، اقتصادی، رسانه‌ای و سایبری برای بی‌ثبات کردن جمهوری اسلامی را دنبال می‌کند. این اقدامات شامل ترور، خرابکاری و اقدامات مختل‌کننده با استفاده از روش‌های آشکار و پنهان می‌شوند. تحریک شکاف‌های قومی، پشتیبانی از گروه‌های تجزیه‌طلب، دامن زدن به چرخه‌های ناآرامی در ایران و بهره‌برداری از حفره‌های اطلاعاتی در درون ایران، بخش دیگری از راهبرد موازنه فراگیر رژیم اسرائیل در برابر ایران هستند (نورمحمدی و دارینی، ۱۴۰۲: ۱۸۶).

از سوی دیگر، با وقوع عملیات طوفان الاقصی در اکتبر ۲۰۲۳ از سوی حماس و پشتیبانی نظامی حزب‌الله لبنان از حماس و همچنین حمایت معنوی جمهوری اسلامی ایران از این عملیات و نیز عملیات مختلف حوثی‌های یمن علیه این رژیم، موج جدیدی از تنش‌ها میان نیروهای درگیر شعله‌ور شد. به دنبال این رخدادها و ترور مستشاران نظامی ایران در سوریه و حمله به کنسولگری ایران در دمشق، بر شدت تقابلات افزوده شد تا جایی که حملات موشکی میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم اسرائیل را در پی داشته است. به همین جهت اسرائیل، ایران را به عنوان اصلی‌ترین تهدید بیرونی پیش روی موجودیت و هستی خود می‌بیند و این کشور را عامل مهمی در ناامنی وجودی خود قلمداد می‌کند. به گونه‌ای که آخرین تهدید استراتژیک برای رژیم اسرائیل در تمامی امور امنیتی، جمهوری اسلامی ایران بوده است.

۴-۳- سرمایه‌گذاری کلان روی قدرت آینده چین

برای رژیم اسرائیل، چین به عنوان یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین خریداران تسلیحات نظامی قلمداد می‌شود. اسرائیل، تنها رژیم منطقه خاورمیانه است که معاملات تسلیحاتی آن با چین، متفاوت از سایر کشورهاست. به‌طوری که بعضی از سلاح‌های ضروری چین به خصوص سلاح‌های پیشرفته را فراهم می‌سازد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که روابط چین و رژیم اسرائیل عمدتاً بر پایه منافع اقتصادی شکل گرفته و تحت تاثیر تحولات ایدئولوژیک یا سیاسی نبوده است. سیاست چین مبنی بر گسترش نفوذ از طریق قدرت اقتصادی، عامل اصلی این پایداری است. باوجود اتحاد استراتژیک اسرائیل و آمریکا، روابط چین و اسرائیل طی سه دهه گذشته تقریباً ثابت مانده و دست خوش تحول جدی نشده است. تحولات بین‌المللی و تغییرات منطقه‌ای در خاورمیانه نیز نتوانسته این رابطه را متزلزل کند، زیرا هر دو طرف بر اساس منافع مشترک همکاری خود را حفظ کرده‌اند.

رژیم اسرائیل برای ایجاد روابط سیاسی با چین اهداف متنوعی را دارد که شامل ارتقاء موقعیت و اعتبار بین‌المللی رژیم صهیونیستی، تاثیر گذاشتن بر مواضع و دیدگاه‌های خاورمیانه-ای چین، حضور در بازار بزرگ نظامی و اقتصادی پرجمعیت‌ترین کشور جهان، فشار در راستای کاهش و یا توقف همکاری‌های تهران - پکن، ارتقاء جایگاه جامعه یهودیان چینی به ویژه در شانگهای، استفاده از اهرم روابط با چین در روابط تل آویو - واشنگتن در راستای جذب بیشتر حمایت‌های آمریکا می‌گردد. از سوی دیگر، چین نیز از تعاملات با رژیم اسرائیل، اهدافی را دنبال می‌کند که شامل ارتقاء سیاست خاورمیانه‌ای چین و کمک به حل بحران فلسطین، تلاش در مسیر قطع و یا کاهش روابط سیاسی تایوان - رژیم اسرائیل، بهره‌برداری از لابی صهیونیست‌ها در بهبود روابط پکن - واشنگتن و تقویت همکاری‌های نظامی، امنیتی و اقتصادی. به عبارتی دیگر، نگرش پکن در برقراری روابط با تل آویو، شامل کسب تجربه در سیاست‌های ابتکاری و نوآورانه و توسعه، تلاش برای بهره گرفتن از تجربیات و فن‌آوری رژیم صهیونیستی در حوزه مسائل امنیتی، دفاعی و مدرن‌سازی نظامی و برنامه‌های سایبری، استفاده از ظرفیت این رژیم برای ایفای نقش و ایجاد موازنه در خاورمیانه راستای منافع چین و استفاده از رژیم صهیونیستی برای عملیاتی سازی طرح «ابتکار کمربند و جاده» می‌شود (عرشیا و بزرگ‌مهری، ۱۴۰۲: ۱۱۳). در این میان طی سال‌های اخیر، روابط تجاری بین چین و اسرائیل رشد چشم‌گیری داشته است. سرمایه‌گذاری چین در اسرائیل در سال ۲۰۱۴، چهار میلیارد دلار

بود و در سال ۲۰۲۲، این رقم به بیست و یک میلیارد دلار رسید. چین در بازار خودروی الکتریکی اسرائیل نقش عمده‌ای دارد و در سال ۲۰۲۴، هفتاد و یک درصد از خودروهای الکتریکی فروخته‌شده در اسرائیل چینی بودند. همچنین، حدود بیست هزار کارگر چینی در اسرائیل مشغول به کار هستند (الدیک، ۱۴۰۳).

نکته قابل توجه این است که چین از وضعیت فعلی رژیم اسرائیل پس از خروج شرکت‌های خارجی در پی حوادث ۷ اکتبر ۲۰۲۳ بهره‌برداری مناسبی کرده است. شرکت‌های چینی می‌توانند جایگزین این شرکت‌ها شده و از فرصت‌های فن‌آورانه اسرائیل استفاده نمایند. رژیم اسرائیل، محیطی مناسب برای مدرنیزاسیون فن‌آوری ایجاد کرده و به چین در تقویت جایگاهش در حوزه فن‌آوری کمک می‌کند. در این بین چین و رژیم اسرائیل برای تقویت مشارکت اقتصادی خود، چندین کنفرانس و نشست اقتصادی سالانه از جمله «فوروم سیلیکون دراگون اسرائیل» در تل‌آویو و «اجلاس نوآوری چین و اسرائیل» برگزار کرده‌اند. هدف این نشست‌ها توسعه و تقویت روابط اقتصادی بین دو کشور است. لذا باید در نظر داشت که روابط دو کشور نه بر مبنای اصول اخلاقی یا ارزش‌های مشترک، بلکه بیشتر بر اساس منافع تجاری و اقتصادی مشترک شکل گرفته است. برخلاف روابط آمریکا و اسرائیل که بر اساس سیاست‌های مشترک استوار است، روابط چین و اسرائیل بر پایه ضرورت‌های اقتصادی و عمل‌گرایانه بنا شده است. این روابط به نیاز و منافع دو طرف وابسته است و تا زمانی که این نیازها ادامه یابد، منافع مشترک نیز برقرار خواهد بود. به‌طور کلی، کشورها روابط خارجی خود را بر اساس منافع اقتصادی، نه اصول اخلاقی یا ایدئولوژیک، می‌سازند (الدیک، ۱۴۰۳). که در نگاه کلان، منافع ملی به عنوان شاخص در برقراری یا عدم برقراری رابطه در نظر گرفته می‌شود.

۴-۴- تجارت با روسیه پساکمونیسم

سابقه روابط رژیم اسرائیل و روسیه به سال ۱۹۴۸ و زمان تأسیس رژیم اسرائیل بر می‌گردد و به صورت مستقیم از بنیان‌های روابط اعراب و اسرائیل تاثیر پذیرفته است. در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ اتحاد جماهیر شوروی با هدف مقابله با سیاست‌های انگلیس از طرح تصویب شده مجمع عمومی سازمان ملل در مورد تشکیل دو کشور مستقل در فلسطین حمایت کرد و بدین ترتیب به ظاهر شدن کشور اسرائیل در نقشه جهان کمک کرد. رهبران شوروی و اسرائیل روابطی دوستانه مبتنی بر اعتماد دو سویه را با یکدیگر در پیش گرفتند (شعرباف و جریست، ۱۳۹۸):

۱۵۰-۱۴۹). در ادامه این روند، به دنبال فضای باز و بازسازی اقتصادی مسکو در دوران گالسنوست و پرسترویکا، برای اولین بار از سال ۱۹۶۷ یهودیان شوروی اجازه داشتند بدون هیچ محدودیتی به اسرائیل مهاجرت کنند. این امر باعث آغاز روند مهاجرت روس‌ها به اسرائیل (سرزمین اشغالی) بود که تا امروز ادامه دارد. مهاجرتی که در پاره‌ای از موارد نگرانی‌هایی برای روسیه ایجاد کرده است. در این میان برخی از مقامات روس نگرانی مسکو از وضعیت اقتصادی روس‌تبارهای ساکن اسرائیل را اعلام کردند (منعم، ۱۴۰۳: ۲۲۸). پوتین بر اساس ملی‌گرایی روسی همواره نسبت به یهودیان روسی که به اسرائیل مهاجرت کرده‌اند ابراز نگرانی می‌کند، تا جایی که در سال ۲۰۱۲ با اشاره به تهدیدات دشمنان رژیم اسرائیل که اسرائیلی‌های روسیه را به خطر می‌اندازد، گفت: «اجازه نمی‌دهد یک میلیون روس زیر تهدید زندگی کنند» (Solomon: 2024).

روابط طرفین طی دهه‌های اخیر در حوزه‌های مختلف، روند رو به رشدی داشته است. در این میان نقش فزاینده سازمان‌ها و نیروهای نظامی در روابط بین روسیه و رژیم اسرائیل بیش از هر چیز به افزایش تعاملات نظامی دو طرف منجر شده است. در دهه ۱۹۹۰ مذاکراتی نیز برای نوسازی جنگنده‌های روسی انجام شد و در نهایت به تولید مشترک بالگرد کاموف ۵۰ شد که فن‌آوری اسرائیلی توسعه یافته بر روی آن نصب شده است. روسیه در سال ۲۰۰۸ و در بحبوحه جنگ با گرجستان یک قرارداد تسلیحاتی برای خرید پهپادهای جاسوسی به ارزش سی و هفت میلیون یورو با صنایع هوافضای اسرائیل امضا کرد. طبق این قرارداد ارتش روسیه سه نوع هواپیمای جاسوسی با قدرت پروازی کوتاه‌برد و میان‌برد از شرکت اسرائیلی آئورپیس ایندوستریس دریافت کرد. افزون بر این، روسیه به دلیل پیشرفته بودن رژیم اسرائیل در تجهیزات راداری و رادیویی، به تولید محصولات مشترک نظامی پرداخته است. در واقع تولید محصولات مشترک نقش مهمی در نزدیکی روسیه به اسرائیل داشته است. بر این مبنا در سال ۲۰۱۹ شرکت اسرائیلی جنرال رباتیک به ساخت ربات‌های نظامی در روسیه اقدام کرد. تبادل اطلاعاتی و نظامی روسیه با رژیم اسرائیل در مورد دریافت کدهای پهپادهای اسرائیلی و در اختیار گذاشتن سامانه‌های دفاعی ایران در سیاست نزدیکی روسیه نقش پررنگی داشته است (منعم، ۱۴۰۳: ۲۳۶).

گسترش ارتباطات میان روسیه و رژیم اسرائیل تا جایی عمق گرفت که نتانیاهو در دیدار سال ۲۰۱۹ خود از روسیه به پوتین گفت: «روابط روسیه و اسرائیل هرگز به این نزدیکی نبوده

است. این طبیعی است. بیش از یک میلیون روس‌زبان در اسرائیل وجود دارد. تشدید روابط بین ما همچنین نتیجه دو چیز دیگر است: سیاست متقابل، منطقی و ارتباط مستقیم بین ما. این ارتباط از اصطکاک غیرضروری بین نیروهای مختلف جلوگیری می‌کند و این جزء اساسی ثبات منطقه است» (منعم، ۱۴۰۳: ۲۳۲). در این ارتباط، بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ نقطه عطف روابط روسیه و رژیم اسرائیل بود که در یک مقطع گسست این رژیم از سیاست‌های آمریکا و اتحادیه اروپا را نشان داد. اسرائیل از محکومیت روسیه به دلیل اشغال کریمه در سال ۲۰۱۴ خودداری کرد و با تحریم‌های آمریکا و اروپا در این موضوع همکاری نکرد (Kertcher & Course, 2024: 8).

علاوه بر موارد فوق، بحران سوریه و چالش‌های رژیم اسرائیل برای اخلاف در روابط ایران و روسیه باعث نزدیکی روابط تل‌آویو و مسکو بوده است. اسرائیل در ابتدا با حضور روسیه در سوریه مخالف بود؛ اما بعدها سازوکار مشترکی برای حفظ منافع متقابل بین دو طرف ایجاد شد. رژیم اسرائیل از یک سو برای تأمین امنیت خود در سوریه ناشی از حضور گروه‌های تروریستی و از سوی دیگر به دلیل حضور نظامی ایران و گروه‌های وابسته به ایران در سوریه به روسیه نیازمند بود. به همین دلیل بعد از سال ۲۰۱۶ کانالی بین دو طرف ایجاد شد که در قالب آن اسرائیل هر گونه حمله علیه نیروهای همگرا با ایران در سوریه را به روسیه اطلاع می‌داد (منعم، ۱۴۰۳: ۲۴۶). هر چند در حال حاضر با سقوط حکومت بشار اسد در سوریه، شرایط برای روسیه و سایر کشورهای منطقه در وضعیت مبهم و پیچیده‌ای قرار گرفته، به گونه‌ای که تا استقرار دولت جدید در سوریه، روند نقش‌آفرینی قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است.

۴-۵- سرمایه‌گذاری‌های کلان در هند

روابط هند و رژیم اسرائیل از دهه ۱۹۹۰ تاکنون، روند رو به رشدی داشته است. در این میان، بی‌شک مبادلات تسلیحاتی و همکاری‌های امنیتی نقش اصلی را ایفا کرده است. این رژیم از مزیت خود در فن‌آوری‌های نظامی در بسط روابط با هند بهره برده و هند با دریافت این تسلیحات، موقعیت خود در موازنه قوای منطقه‌ای را بهبود بخشیده و با جذب توانمندی‌های فن‌آورانه رژیم اسرائیل در حوزه‌های غیرنظامی، بخشی از نیازهای اقتصادی رو به توسعه خود را برآورده نموده است (شریعتی‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۲۵). به عبارتی دیگر می‌توان گفت که تعمیق روابط

هند و رژیم اسرائیل در طول دهه‌های گذشته ناشی از ملاحظات عمل گرایانه‌ای است که ریشه در اهمیت استراتژیک فزاینده برای طرفین داشته است. در بخش‌های فن‌آوری، روابط نزدیک هر دو طرف با آمریکا نیز اهمیت پیدا کرده است (Bajpae, 2024). در این میان در سال ۲۰۱۷، نارندرا مودی اولین نخست‌وزیر هند بود که سفری دولتی به اسرائیل انجام داد که نمادی از روابط رو به رشد بین دو طرف و روابط شخصی بین مودی و نتانیاهو بود. یک سال بعد، نتانیاهو این ژست را با سفر به هند پاسخ داد (Setton, 2024).

هند دومین شریک تجاری اسرائیل در آسیا و هفتمین شریک تجاری بزرگ در جهان است. بیش از سیصد سرمایه‌گذاری از سوی رژیم اسرائیل در هند انجام گرفته که عمدتاً در زمینه فن‌آوری پیشرفته، کشاورزی و آب بوده است. بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳، هند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نزدیک به سیصد میلیون دلار از اسرائیل دریافت کرد. در طرف مقابل اسرائیل به چهارمین مقصد بزرگ هند برای صادرات فرآورده‌های نفتی تبدیل شد. از نظر نیازهای دفاعی هند، اسرائیل سومین صادرکننده بزرگ تجهیزات دفاعی پس از روسیه و فرانسه است. مشارکت در همکاری‌های اقتصادی و دفاعی با اسرائیل، روابط نزدیک‌تر را در هر دو حوزه استراتژیک و اقتصادی تقویت کرده است (Jangid, 2023).

از سوی دیگر ظهور و تقویت فزاینده چین، دشمن دیرینه هند، نگرانی قابل توجهی را در دهلی‌نو ایجاد کرده و اهمیت مشارکت با اسرائیل را به‌عنوان وزنه تعادل احتمالی در برابر نفوذ سریع چین در حال گسترش، افزایش داده است. اهمیت این مشارکت با توجه به این واقعیت که چین و اسرائیل شرکای طبیعی نیستند، اما درعین حال روابط قوی‌تری با اسرائیل برقرار کرده است، بسیار مهم‌تر شده است (Abrams, 2018). به‌نوبه خود، دولت اسرائیل به ریاست بنیامین نتانیاهو، به‌سرعت از گشایش هند برای ارتقای عمده روابط دوجانبه استفاده کرد، بدون اینکه به روابط این رژیم با پکن آسیبی وارد کند (Cohen, 2018).

در ارتباط با مسئله فلسطین نیز هند به طور قابل توجهی موضع خود را در قبال این کشور تغییر داده است. قبل از به قدرت رسیدن مودی، هند به طور مداوم در سازمان ملل به نفع فلسطین رأی می‌داد. اما کم‌کم از برخی رأی‌هایی که صراحتاً اقدامات اسرائیل را محکوم می‌کردند، خودداری کرد. در دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۲۳، هند از قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل که مستلزم ارائه نظر مشورتی درباره «اشغال طولانی‌مدت فلسطین توسط اسرائیل» بود، خودداری کرد. پس از حملات ۷ اکتبر ۲۰۲۳، مودی بیانیه‌ای صادر

کرد که در آن تأکید کرد که هند چگونه «در همبستگی با اسرائیل» ایستاده است (Ramakrishnan, 2024). هند حماس را به صراحت محکوم کرد و همبستگی خود را با اسرائیل اعلام کرد. در عین حال، دهلی‌نو تأکید کرد که اسرائیل تعهد بین‌المللی به رعایت قوانین بشردوستانه دارد و تأکید کرد که تنها راه عملی برای خروج از باتلاق کنونی «راه حل دو کشور» است (Patil, 2024).

در مجموع می‌توان گفت که سرمایه‌گذاری‌های هند و رژیم اسرائیل مکمل تأمین مهمات آمریکا و سایر تجهیزات دفاعی بزرگتر به اسرائیل است. با این حال، در آینده، هند همچنین می‌تواند تجهیزات آمریکا را برای طیف گسترده‌ای از سیستم‌ها و همچنین مهمات معمولی جایگزین کند. با متعهد شدن رهبران هر دو طرف به همکاری بیشتر با یکدیگر، انتظار می‌رود که روابط هند و اسرائیل در مسیر صعودی باقی بماند. در دیدگاه گسترده‌تر، روابط دفاعی قوی هند و رژیم اسرائیل نیز ممکن است نویدبخش خوبی برای آمریکا باشد، زیرا هند به عنوان سنگری در برابر توسعه‌طلبی چین ظاهر می‌شود (Patil, 2024) که به دنبال آن، با راه‌اندازی کریدور اقتصادی هند - خاورمیانه - اروپا، دستیابی رژیم اسرائیل به اقیانوس هند از طریق خلیج فارس و نیز رسیدن به اروپا، بدون وابستگی به راه ابریشم چین، هموار خواهد شد.

۵- نتیجه‌گیری

وجود مؤلفه‌های آسیب‌پذیر و تهدیدزا در رژیم اسرائیل باعث ایجاد دغدغه و هراس در تأمین و حفظ امنیت شده است. این چالش‌ها در جامعه اسرائیلی، باعث شده که این رژیم همواره درگیر بحث‌های مستمر و مداوم پیرامون امنیت هستی‌شناختی بوده است. در این میان، زمانی که نمادهای هویتی و نظام باورهای جامعه اسرائیلی در معرض شک و تردید قرار می‌گیرند، در واقع نوعی احساس ناامنی اجتماعی در جامعه شکل می‌گیرد که این احساس ناامنی، عاملی برای تهدید امنیت وجودی قلمداد می‌شود. در واقع در جامعه صهیونی فقدان هویت ملی فراگیر را می‌توان به نوعی تهدید امنیت اجتماعی دانست. به گونه‌ای که این تهدیدها و ناامنی هستی‌شناختی شکل گرفته از آن، راهبرد سیاست خارجی رژیم اسرائیل را تحت تأثیر خود قرار داده و براساس تقسیم‌بندی دوست، دشمن و گاه بی‌طرف، به برقراری روابط و یا به ستیز با کشورها می‌پردازد. در این میان، ارتباط ویژه رژیم اسرائیل و ایالات متحده، نقش موثری در پیش‌برد این سیاست‌ها داشته و هرنوع تصمیم‌گیری در سیاست خارجی این رژیم با توجه به الزامات

ساختاری برخاسته از حضور این متغیر بوده است. برنامه‌ها و رویکردهای سیاست خارجی آمریکا، سیاست صهیونیست‌ها را در مقابل دوستان و دشمنانش تحت تأثیر قرار داده و در مسائلی مانند جنگ تسلیحاتی، تهدید، دفاع استراتژیک و... به تصمیمات سیاست خارجی آن سمت‌وسو می‌دهد. از این‌رو رژیم اسرائیل، کشوری همچون جمهوری اسلامی ایران را به عنوان مهم‌ترین تهدید بیرونی پیش روی موجودیت و هستی خود می‌بیند و این کشور را عامل مهمی در ناامنی هستی‌شناختی خود قلمداد می‌کند. به عبارت دیگر اصلی‌ترین تهدید استراتژیک برای این رژیم در تمامی مسائل امنیتی، جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. به همین دلیل مقامات آمریکا در تلاشند به نگرانی‌های کشورهای عربی و رژیم اسرائیل درباره جمهوری اسلامی ایران افزوده و از یک طرف، آن‌ها را به همکاری‌های گسترده‌تری با این رژیم تشویق کرده و از طرف دیگر، به خرید سرسام‌آور تسلیحات نظامی از آمریکا ترغیب کنند. این سیاست از منظر متفاوت، موجب حفظ رهبری آمریکا در منطقه شده و آن‌ها را به آمریکا نیازمند ساخته و نیز کارخانه‌های مهمات‌سازی ایالات متحده را با فروش تجهیزات نظامی به رونق اقتصادی می‌رساند. افزون بر این، با وقوع عملیات طوفان الاقصی در اکتبر ۲۰۲۳ از سوی حماس و پشتیبانی نظامی حزب‌الله لبنان از حماس و همچنین حمایت معنوی جمهوری اسلامی ایران از این عملیات، رژیم اسرائیل، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان اصلی‌ترین تهدید بیرونی پیش روی موجودیت و هستی خود می‌بیند و این کشور را عامل مهمی در ناامنی وجودی خود قلمداد می‌کند. به گونه‌ای که آخرین تهدید استراتژیک برای رژیم اسرائیل در تمامی امور امنیتی، جمهوری اسلامی ایران بوده است.

از سوی دیگر، رژیم اسرائیل در راستای بهره‌مندی از ظرفیت‌های اقتصادی و نظامی سایر قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی، همکاری‌های مختلفی را با برخی کشورها همچون چین، روسیه و هند داشته است. در این میان همکاری این رژیم با چین، به عنوان اصلی‌ترین خریدار تسلیحات نظامی، نقش مهمی در روابط طرفین داشته است. ارتقاء موقعیت و اعتبار بین‌المللی رژیم اسرائیل، تاثیر گذاشتن بر مواضع و دیدگاه‌های خاورمیانه‌ای چین، حضور در بازار بزرگ نظامی و اقتصادی پرجمعیت‌ترین کشور جهان، فشار در راستای کاهش و یا توقف همکاری‌های تهران - پکن، استفاده از اهرم روابط با چین در روابط تل آویو - واشنگتن در راستای جذب بیشتر حمایت‌های آمریکا، از دلایل اصلی رژیم اسرائیل در برقراری و حفظ ارتباط با چین بوده است. علاوه بر چین، روابط رژیم اسرائیل و روسیه نیز برای این رژیم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار

است. در این میان نقش فزاینده سازمان‌ها و نیروهای نظامی در روابط بین روسیه و رژیم اسرائیل بیش از هر چیز به افزایش تعاملات نظامی دو طرف منجر شده است. علاوه بر این، بحران سوریه و چالش‌های رژیم اسرائیل برای اخلال در روابط ایران و روسیه باعث نزدیکی روابط تل‌آویو و مسکو بوده است. هر چند در حال حاضر با سقوط حکومت بشار اسد در سوریه، شرایط برای روسیه و سایر کشورهای منطقه در وضعیت مبهم و پیچیده‌ای قرار گرفته، به گونه‌ای که تا استقرار دولت جدید در سوریه، روند نقش‌آفرینی قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. هند نیز به عنوان یکی از قدرت‌های منطقه‌ای، جایگاه خاصی را در روابط رژیم اسرائیل داشته است به گونه‌ای که مبادلات تسلیحاتی و همکاری‌های امنیتی نقش اصلی را در این میان ایفا کرده است. رژیم اسرائیل با فروش فن‌آوری‌های نظامی خود به هند، بهره اقتصادی خود را دریافت نموده و از سوی دیگر، هند نیز با دریافت این تسلیحات، جایگاه خود را در موازنه قوای منطقه‌ای رشد بخشیده و در کسب امنیت گام برداشته است.

منابع و مأخذ

فارسی:

- الدیک، حسین (۱۴۰۳)، «چین، اسرائیل و منافع مشترک»، به نقل از مرکز الدراسات العربیة الاوراسیة - مصر، بازبایی شده از آدرس: <https://institutetehran.com/art/266> ۲۷ بهمن ۱۴۰۳ ساعت ۱۳
- اینبار، افرایم (۱۳۸۸)، امنیت ملی اسرائیل (ترجمه حمید نیکو)، تهران: انتشارات موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- داغر، ربیع (۱۳۹۱)، اسرائیل و درگیری دائمی، تهران: نشر ساقی.
- رجبی قره قشلاقی، جعفر (۱۳۸۸)، «تأثیر شکاف‌های اجتماعی بر امنیت ملی اسرائیل»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، تابستان و پاییز، شماره ۳۳ و ۳۴، ۱۷۶-۱۴۵.
- سیمبر، رضا و نظری، کیانوش (۱۳۹۳)، «آیپک و تأثیر آن بر انتخابات ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، سال ششم، شماره ۲۰، ۲۷-۱.
- شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۹۴)، «تعاملات نظامی رژیم صهیونیستی با روسیه، هند و چین»، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۷، ۱۰۱-۱۳۴.
- شعرباف، جواد و جریست، هاجر (۱۳۹۸)، «روابط روسیه و اسرائیل در پرتو نقش منطقه‌ای ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال یازدهم، شماره ۴۴، ۱۷۰-۱۴۳.

عابدی، سجاد (۱۳۹۸) پروژه ایران‌هراسی، *روزنامه اعتماد*، ۲۸ آبان ۱۳۹۸. بازیابی شده از آدرس: <http://www.etemadnewspaper.ir/fa/main/detail/136956/> ۲۸ آبان، ساعت ۱۸

عباسی اشقلی، مجید (۱۳۸۳)، «تحلیل امنیت در پارادایم‌های حاکم روابط بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال هفتم، شماره ۲۵، ۵۵۰-۵۲۵.

عرشیا، لیلا و بزرگمهری، مجید (۱۴۰۲)، «روابط چین و رژیم صهیونیستی در سه دهه اخیر (۱۹۹۰-۲۰۲۰): حوزه‌های هم‌گرایی و واگرایی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال سی و هفتم، شماره ۳، ۸۹-۱۱۶.

قاسمی، حاکم (۱۳۸۹)، *عوامل ساختاری بحران امنیتی در اسرائیل*، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

کسپیت، بن (۱۳۹۷)، «ایران‌هراسی، دارایی استراتژیک اسرائیل» *دیپلماسی ایرانی*، ۱ آذر ۱۳۹۷، بازیابی شده از آدرس: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1980372/> ۱۱ آذر، ساعت ۱۵

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵)، *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید* (ترجمه ناصر موفقیان)، نشر نی.

متقی، ابراهیم و ثابت، علی (۱۳۹۱)، «مبانی و هستی‌شناسی تفکر امنیتی رژیم صهیونیستی»، *فصلنامه آفاق امنیت*، دوره پنجم، شماره ۱۷، ۱۹۰-۱۵۹.

منعم، روح الله (۱۴۰۳)، «بررسی روابط روسیه و اسرائیل براساس نظریه پیوستگی روزنا (۲۰۱۱-۲۰۲۴)»، *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، شماره ۱۴، ۲۲۵-۱۹۹.

مقومی، امیررضا و جاودانی مقدم، مهدی (۱۴۰۱)، «واکاوی علل و انگیزه‌های امارات متحده عربی در عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *نشریه علمی آفاق امنیت*، سال پانزدهم، شماره ۵۵، ۲۲۵-۱۸۹.

نورمحمدی، مرتضی و دارینی، علی اکبر (۱۴۰۲)، «بررسی راهبرد موازنه فراگیر اسرائیل در برابر جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال شانزدهم، شماره ۵۸، ۱۸۹-۱۶۰.

نیاکویی، امیر و امانی، فریده (۱۴۰۳)، «سیاست خارجی آمریکا در قبال اسرائیل و پیامدهای آن بر امنیت ملی ایران (۲۰۲۰-۲۰۲۴)»، *فصلنامه غرب آسیا*، شماره ۵، ۵۸-۳۳.

نیکو، حمید و سویلمی، مرتضی (۱۳۹۶)، «جایگاه برنامه هسته‌ای ایران در دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال دهم، شماره ۳۷، ۱۷۱-۱۳۷.

انگلیسی:

Abrams, Elliott (2018), "Whats behind Israels growing ties China", *Council on Foreign Relations*. available on: <https://www.cfr.org/expert-brief/whats-behind-israels-growing-ties-china>

Bajpae, Chietigj (2024), "India's Engagement with the Middle East Reflects New Delhi's Changing Worldview", available on: <https://warontherocks.com/2024/05/indias-engagement-with-the-middle-east-reflects-new-delhis-changing-worldview/>

- Balaiah, Shalini (2022), "The Middle East in 2021: Protraction of never-ending wars and conflicts". available on:
https://globalpolitics.in/pdf_file/articles/2022-Annual-MiddleEast.pdf
- Beres, Louis R. (2007), "Israel's Uncertain Strategic Future Parameters", Spring 2007, 37-54. Retrieved from, <http://www.carlisle.army.mil/>
- Cohen, Gilad (2018), Israel is looking East, Jerusalem Post. available on:
<https://www.jpost.com/Opinion/Israel-is-looking-East-574588>
- Dowty Alan (1999), "Israel Foreign Policy & the Jewish Question", *Middle East Review of International Affairs* (MERIA), Vol. 3, No. 1, available on:
Meria: Israeli Foreign Policy and the Jewish Question (columbia.edu)
- Einhorn, Robert (2022), "Reviving the JCPOA is the Better Alternative –But Can It Be Sustainable?" *Foreign Policy at Brookings*, available on:
https://www.brookings.edu/wpcontent/uploads/2022/05/FP_20220525_jcpoa_revival.pdf
- Franke, Wilmer (2002), *The Social Construction of Man, the state and war: Identity, Conflict and Violence in the Former Yugoslavi*, London, Rutledge.
- Gramer, Robbie, et al (2020), "Trump Extends Arab Push to Normalize Ties with Israel", *Foreign Policy*, available on:
<https://foreignpolicy.com/2020/09/11/trump-extends-arabpush-normalize-ties-with-israel-sudan/>
- Jangid, Khinvraj (2023), India's Stance on Israel, available on:
<https://www.freiheit.org/india/indias-stance-israel>
- Kertcher, Chen & Course, Dima (2024), "The practice of friendship balancing: Russia-Israel relations, 2015 to 2021". *Middle East Policy*, 31(2), 67-82.
- Lupovici, Amir (2019), *Constructivism methods: a plea and manifesto*, London: British International Studies Association.
- Mitzen, Jennifer (2006), "Ontological Security in World Politics: State Identity and the Security Dilemma", *European Journal of International Relations*, Vol. 12, No. 3, 341-370.
- Muasher, Marvan (2021), "Normalization of Arab Countries with Israel: Regional Geopolitical Aspects of the Agreements", *IEMed Mediterranean Yearbook 2021*, available on:
<https://www.iemed.org/publication/normalization-of-arab-countrieswith-israel-regional-geopolitical-aspects-of-the-agreements/>
- Patil, Sameer (2024), *Israel Love affair with India*, available on:
<https://www.tabletmag.com/sections/israel-middle-east/articles/israel-love-affair-with-india>
- Persian Gulf European, University Institute (EUI), Editorial Luigi Narbone, Abdolrasool Divsallar.
- Philpott, Daniel (2019), *Revolutions in Sovereignty: How Ideas Shaped Modern International Relations* (Princeton), NJ: Princeton University Press.
- Ramakrishnan, Lakshmy (2024), Soft power and India's changing approach to Israel under Modi, available on:
<https://theloop.ecpr.eu/soft-power-and-indias-changing-approach-to-israel-under-modi/>
- Rose, Caroline (2021), *The US Strategy in Building a Persian Gulf Security Framework, in Stepping Away from the Abyss: A Gradual Approach Towards a New*

- Security System in the Persian Gulf* European, University Institute (EUI), Editorial Luigi Narbone, Abdolrasool Divsallar.
- Setton, Keren (2024), *More Indian Workers Head to Israel as Relations Between the 2 Countries Strengthen*, available on:
<https://themedialine.org/top-stories/more-indian-workers-head-to-israel-as-relations-between-the-2-countries-strengthen/>
- Solomon, Lawrence (2024), *Netanyahu's diplomacy with Putin ensured IDF's Successful attack on Iran*, available on:
<https://thedefensepost.com/2024/11/10/netanyahudiplomacy-putin/>
- Wendt, Alexander (1999), *Social Theory of International Politics*, Cambridge: Cambridge University Press.

